

# مضامین عمده در الواح مبارکه جمال ابهی خطاب به ملوک و رؤسا و زعمای دنیا\*

شاپور راسخ

## مقدمه

سابقه مخاطبه و مکاتبه مظاهر مقدسه الهی با مراکز قدرت اعم از رؤسای مملکتی و دینی به ادیان گذشته از جمله آئین موسوی و دیانت زردشتی و شریعت اسلام باز می‌گردد. می‌دانیم که حضرت زردشت کلام الهی را به گشتاسب شهریار ایران عرضه فرمود و یکی از مخاطبان اولیه حضرت موسی کلیم الله فرعون مصر بود و حضرت محمد رسول الله شش نام به رؤسای زمان خود فرستاد که چون در باره آن کمتر سخن رفته، به مورد است مجملی که در کتاب خلاصه ادیان<sup>۱</sup> آمده در این جا نقل شود:

«سال هفتم هجرت: در سال هفتم رسول خدا، به دعوت پادشاهان و امیران اطراف جزیره العرب به دین اسلام اقدام فرمود.

نخست بفرمود تا خاتم یا انگشتری با نگین نقره که بر روی آن در سه سطر عمودی، به صورت محمد رسول الله نقش شده بود بسازند، و نامه‌های خود را با این خاتم مهر می‌فرمود. در قرآن کریم یکی از القاب حضرت محمد (ص) «خاتم النبیین» به معنای «مهرکننده» و به پایان رساننده کتاب نبوت است. [۱] نامه به هرا کلیوس (هرقل) امپراطور روم شرقی را دحیه کلبی نزد والی بصری برد، و او فرستاده پیغمبر را به نزد امپراطور که در آن هنگام به زیارت بیت المقدس رفته بود، اعزام داشت. دحیه مورد احترام هرقل قرار گرفت، و تحفی برای رسول خدا فرستاد.

[۲] نامه پادشاه ایران را عبدالله ابن حدافه سهمی برد، و چنان که معروف است خسرو پرویز نامه او را

بدرید، و رسول خدا نفرین کرد، تاکشور او پاره پاره شود. سید احمد ادیب نیشابوری (۱۲۶۰-۱۳۴۹ هـ ق)، در آن باره چنین گوید:

برویز آن خودکامه مرد      درید آن نامه چو ورد  
انجام چرخ تیز گرد      بر سبلتش تسخر زند

[۳] ولی حاکم رومی مصر، که اعراب وی را المقوقس می‌نامند، و ظاهراً این عنوان را با کیروس، که لقب حاکم اسکندریه در زمان اسلام بود اشتباه می‌کردند، فرستاده عرب را به احترام پذیرفت، و هدایائی برای رسول خدا فرستاد که از آن جمله دو کینز قبطی بود، یکی به نام ماریه که پیغمبر برای خود گرفت، و دیگری شیرین که او را به شاعر مدّاح خود حسان بن ثابت انصاری (درگذشته در ۵۰ هـ ق) بخشید.

اصل نامه پیغمبر به مقوقس در موزه توب قاپو سرای استانبول موجود است.

[۴] نامه نجاشی پادشاه حبشه را عمرو بن امیة ضمری برد. و نوشته‌اند که پادشاه حبشه اسلام آورد، و پسر خود را با عده‌ای برای اظهار ارادت به مدینه روان کرد، و آنان به مقصد نرسیده، در دریای احمر غرق شدند. رسول خدا نامه دومی هم به نجاشی پادشاه حبشه نوشت و در آن از وی خواست، که جعفر بن ابی طالب (جعفر طیار) را با بقیة مسلمانان آنجا نزد پیغمبر روانه کند، و نیز ام حبیبه دختر ابوسفیان را که در حبشه بود و شوهرش مرده بود، برای پیغمبر ازدواج نماید. نجاشی هر دو فرمان پیغمبر را انجام داد و مهاجرین به حبشه، پس از چندی وارد مدینه شدند.

[۵] نامه‌ای هم رسول خدا برای حارث ابن ابی شمر امیر غسان فرستاد. حارث به فرمان امپراطور روم فرستاده را انعامی داده بازگردانید.

[۶] ششمین نامه را پیغمبر به هوزة بن علی حنفی امیر یمامه فرستاد. هوزة فرستاده پیغمبر را احترام کرد، ولی در پاسخ نوشت اگر او را در حکومت با خود شریک می‌کند، اسلام را می‌پذیرد.»

حضرت بهاء الله صدور الواح مبارکه خطاب به ملوک و رؤسای شهر ادرنه آغاز فرمودند و در عکّا ادامه دادند. متن اصلی این الواح مقدسه را در منابع و مآخذ ذیل می‌توان بازیافت:

۱- آثار قلم اعلی، جلد اول، کتاب مبین، نشر مؤسسه معارف بهائی کانادا، چاپ سوم، ۱۹۹۶ م.

۲- الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، چاپ طهران: سنه ۱۲۴ بدیع.

۳- الواح حضرة بهاء الله الی الملوک و الرؤساء، چاپ دارالنشر البهائیه در برزیل، سال ۱۹۸۳ که حاوی خلاصه بیوگرافی مخاطبان الواح مذکور نیز هست.

کتاب مبین که ذکرش رفت حاوی الواح زیر است: سورة هیکل - لوح پاپ پی نهم - لوح ملک پاریس - لوح ملک روس - لوح ملکه ویکتوریا - لوح ناصرالدین شاه و لوح رئیس (عربی).

در مورد سورة هیکل توضیحات زیر مفید تواند بود: سورة هیکل سورة خاصی است که همراه با

الواح سلاطین و به صورت هیكل انسانی<sup>۲</sup> تحریر شده و این الواح مبارکه را در بر می‌گیرد: لوح پاپ پی نهم - لوح ناپلئون سوم - لوح خطاب به تزار الکساندر دوم - لوح ملکه ویکتوریا و بالاخره لوح سلطان ایران.

علاوه بر این در سوره مبارکه یاد شده معنی حروف مرکب هیكل یعنی ه- ی- ک- و ل بیان گردیده و بشارت داده شده که هیكل منشأ ظهور نژاد تازه‌ای از بشریت خواهد شد و نیز در همین سوره خطباتی به چشم و گوش و زبان و قلب هیكل می‌توان یافت.

۴- کتاب مستطاب اقدس که در حدود ۱۸۷۳ م شرف نزول حاصل کرده حاوی خطباتی به این رجال و نفوس و طبقات مهمه است: فرانسوا ژرف (اطریش و هنگری) - گیوم اول (پروس) - سلطان عبدالعزیز (عثمانی) - رؤسای جمهور امریکا - معشر ملوک - اعضای پارلمان‌ها - قسیسان و رهبانان - رؤسای مذاهب به طور عام و علما و فلاسفه ارض.

می‌دانیم که در دوره ادرنه این الواح مبارکه عزّ نزول حاصل کرد: سوره الملوک، لوح سلطان ایران (که بعد از عکا به ایران صادر شد)، لوح اول ناپلئون سوم (که اصل آن در دسترس نیست ولی مضمون آن تا اندازه‌ای مشخص است) و بالاخره لوح رئیس. علی هذا سایر الواح مبارکه و خطابات مهمینه در عکا شرف صدور یافته است (چون لوح دوم ناپلئون سوم - لوح پاپ پی نهم - لوح الکساندر دوم و لوح ویکتوریا).<sup>۳</sup>

## هدف‌های اصلی در صدور الواح ملوک و سلاطین

شبهه نیست که برای درک مقاصد عمده جمال ابهی از صدور الواح مقدسه به رؤسا و زعما باید به خود متون آن الواح مراجعه کرد و می‌توان با مذاقه در این نصوص مقدسه به حدّ اقلّ ده هدف عمده پی برد:

۱- اعلام امر جدید و مأموریت و رسالت خود و دعوت مخاطبان به تصدیق و ایمان و نیز پرده‌برداری از مقام و مرتبت خود که رجعت مسیح و ظهور اب و موعود کتب آسمانی قبل بوده و هستند. مثلاً در لوح الکساندر دوم فرموده‌اند: «قد اتی الاب». «هذا نبأ استبشرت به افئدة النّبین والمرسلین». «ما نزلت الکتب الاّ لذكری». در لوح پاپ صریحاً می‌فرمایند که رجعت حضرت مسیح در سایه جلال پدر (اب) هستند.

۲- تظلم یعنی بیان وضع خود و اصحاب و شرح مظالمی که به آنان رفته و درخواست رسیدگی عادلانه.<sup>۴</sup>

۳- بیان انتظارات مظهر ظهور از اولیای امور و تعلیم و تفهیم درس مملکت داری و بیان شروط سلطنت و حکومت.

۴- تشریح اصول اساسی این امر اعظم و در مواردی بیان دلایل حقایق ظهور مبارک.

۵- اشاره به بعضی از تعالیم آن حضرت برای تجدید سازمان جهان که نمونه کاملش در لوح

خطاب به ملکه ویکتوریا مشاهده می شود.

۶- یادآوری مسؤولیت سلاطین و زعمای ملل و تحذیر از قصور و تقصیر در ایفای آن و انداز و اختطار و پیش بینی آینده پر مخاطره سلاطین ممالک و رؤسای مذاهب.

۷- خطباتی آمیخته به نصیحت و در عین حال انداز به عامه مردم، رؤسای اهل سنت، حکمای مدینه و فلاسفه ارض و بالاخره نمایندگان پارلمان های جهان.

۸- تفکیک حساب اهل بهاء از قدرت طلبان مفسده جوی به خصوص در لوح ناصرالدین شاه.

۹- اجمالی در باره مقام و مرتبت خود به عنوان مظهر الهی و ارتباط خود با ذات منبع غیبی (تکمله نکتہ اول). مثلاً این عبارات در لوح سلطان: «هذا ورقة حرّكتها ارياح مشية ربك - مرت علي نسائم السبحان و علمني علم ماكان - ليس هذا من عندى بل من لدن عزيز عليم.»

یا در لوح ناپلئون سؤم: «قد اتى المختار فى ظلل الانوار ليحيى الاكوان من نفحات اسمه الرحمن و يتحد العالم و يجمعهم على هذه المائدة التى نزلت من السماء (مختار در ظل انوار آمد تا جهان های هستی را احیا کند و عالم را متحد نماید - مضمون بیان مبارک).

۱۰- اشارات مکرر به علم لدنی خود و تجلی قدرت و عظمت الهی در آن وجود مسعود چون اشاره در لوح تزار روسیه به آنکه حضرتش بر اندیشه نهانی ملک روس آگاه است، یا اخبار سرنوشت کشور و سلطان به ناپلئون سؤم («بما فعلت تختلف الامور فى مملكتك و تخرج الملك من كفك جزاء عملك») و نیز پیش بینی آینده استانبول، طهران و برلین.

برخی اطلاعات تاریخی را هم در مورد سوانح زندگی آن حضرت از همان الواح می توان به دست آورد مثلاً اشاره جمال ابهی به همدستی سفیر پاریس با سفیر ایران در مخالفت با امر رحمن و درخواست تبعید آن جمال منیر.

## موضوعات عمده این الواح مقدسه

هرچند که تلخیص الواح مقدسه مذکوره بسیار دشوار است برای مزید استبصار عزیزان ۳۸ موضوع عمده را که در خطابات به ملوک و سلاطین از قلم اعلی نازل گشته تحت عنوان ابلاغات عمومی ذیلاً مذکور می دارد:

۱- اعلام ظهور موعود امم و ملل؛ ۲- دعوت به قبول و تبعیت؛ ۳- بیان عظمت این ظهور؛ ۴- خزانن شما، شما را از توجه به روحانیات باز داشته؛ ۵- دعوت به انقطاع؛ ۶- تحذیر از کبر و غرور؛ ۷- نباید خواهش های این جهان شما را از محبوب امکان باز دارد؛ ۸- قصد ما تصرف قلوب مردم است نه سرزمین های شما؛ ۹- وعده برکات الهی به سلطانی که به نصرت برخیزد؛ ۱۰- این کلمات از روی حب است نه برای توقع چیزی؛ ۱۱- ملامت شهریاران از عدم توجه به ظهور و پیام حضرت اعلی؛ ۱۲- شکوه از علمای ایران که حضرتش را محکوم به مرگ کردند؛ ۱۳- به سوی خدا باز گردید؛ ۱۴- افتخار شما در

حاکمیت شما نیست بلکه در تقرب به درگاه الهی است؛ ۱۵- احتراز از بی عدالتی نسبت به رعایا؛ ۱۶- دعوت به تقوی و خشیت الله؛ ۱۷- به جای تکیه بر قدرت و ثروت و قشون خود توکل بر خدا کنید؛ ۱۸- فقرا امانت الهی در دست شما هستند؛ ۱۹- اگر به این نصایح عمل نکنید حکم عدل الهی بر ضد شما صادر خواهد شد؛ ۲۰- دعوت به رسیدگی و بررسی امر بهاء؛ ۲۱- دعوت به اجرای عدالت و حمایت از مظلومین؛ ۲۲- جای افتخار در آنچه مالک هستید نبوده و نیست؛ ۲۳- افتخار حقیقی و جاوید در تمسک به اوامر الهی و رعایت قوانین و حدود اوست؛ ۲۴- حکایت بیست سال دوران تحمل مشقات و بلاهای خود - چرا شما دست ظالم را کوتاه نکردید؟ ۲۵- خدا حکومت خلق را در دست شما نهاده که به عدالت عمل کنید؛ ۲۶- به زودی یومی خواهد رسید که حق امرش را بلند و ارجمند خواهد کرد؛ ۲۷- ما پیروزی و غلبه امر الهی را تأمین خواهیم کرد؛ ۲۸- هر سال به مخارج خود می افزاید و آن را به ناحق بر مردم تحمیل می کنید و این بی عدالتی محض است؛ ۲۹- از آه و اشک مظلومان بترسید. مردم را برای تزئین کاخ های خود غارت نکنید؛ ۳۰- از اوامر الهی دزه ای منحرف نشوید و آنها را نقض نکنید؛ ۳۱- چون شما صلح اکبر (اعظم) را رد کردید لاقبل به صلح اصغر متوسل شوید؛ ۳۲- ای ملوک ارض با هم آشتی کنید تا نیازی به تسلیحات جز در حد دفاع از سرزمین های خود نداشته باشید؛ ۳۳- اگر یکی از سلاطین بر ضد دیگری برخیزد همه باید بر ضد او قیام کنند؛ ۳۴- خداوند قلب انسان را ملک خاص خود می داند، همه دارائی ها و داشتنی های دیگر را به سلاطین ارض واگذارده؛ ۳۵- آنچه امروز مورد نیاز است اطاعت مردم از مراجع قدرت است و تمسک به حبل حکمت؛ ۳۶- وسائل لازم برای حفظ بشر و امنیت او در دست رهبران جامعه ها سپرده شده؛ ۳۷- آرزوی آنکه سلاطین به دفاع این امر پردازند؛ ۳۸- توصیه به اجتناب به پشتیبانی از چنین پادشاهی.

### مضامین به کلی تازه در الواح ملوک

بر اساس اطلاعاتی که از نامه های رسول الله و خطابات مظاهر قبلی به رؤسای امم در دست است برخی از موضوعاتی که مذکور افتاد سابقاً در نامه ها و خطابات انبیاء و اولیاء نیز آمده و لکن الواح ملوک و رؤساکه از قلم اعلی صادر گشته حاوی برخی مضامین و مطالب بالکل تازه و بدیع است که به این ظهور اختصاص دارد. در این زمینه ۹ مطلب اصلی را می توان مطرح کرد:

۱- دعوت به صلح و کاهش تسلیحات، چنان که در سوره ملوک آمده است: «ثم اصلحوا ذات بینکم وقللوا فی العسا کر لیقل مصارفکم و تکونن من المستریحین و ان ترتفعوا الاختلاف بینکم لن تحتاجوا الی کثرة الجیوش الی اعلی قدر الذی تحرسون بها بلدانکم و ممالکم و لا تسرفوا فی شیء و لا تکونن من المسرفین و علمنا بانکم تزدادون مصارفکم فی کل یوم و تحملونها علی الرعیة و هذا فوق طاقتهم و ان هذا لظلم عظیم.» دعوت به صلح اصغر در لوح ملکه و بکتوریا مذکور است و در همان لوح اصل امنیت جمعی چنین بیان شده: «ان قام احد منکم علی الآخر قوموا علیه ان هذا الی عدل مبین.»

۲- دفاع از حکومت پارلمانی و به طور ضمنی از دموکراسی چنان که در لوح ملکه ویکتوریا فرموده‌اند: «و سمعنا انک اودعت زمام المشاورة بايادی الجمهور نعم ما عملت لانّ بها تستحکم اصول ابناء الامور و تطمئن قلوب من فی ظلك من کلّ وضع و شريف. ولكن ينبغي لهم بان يكونوا امناء بين العباد و يرون انفسهم وكلاء لمن على الارض كلّها.»

۳- دعوت من على الارض به اتحاد چنان که در لوح ملکه ویکتوریا فرموده‌اند: «و الّذى جعله الله الدّرياق الاعظم و السّبب الاتمّ لصحّته [صحّة العالم] هو اتحاد من على الارض على امر واحد و شريعة واحدة.» در لوح ناپلئون سوّم: «فانظروا العالم كهيكل الانسان اعترته الامراض و برئه منوط باتّحاد من فيه.»

۴- معرفی خود به عنوان مصلح عالم (لوح ویکتوریا). اولین بار است که مطمح نظر مظهر الهی دعوت سراسر ابناء بشر در ربع مسکون است.

۵- توصیه خاصّ در مورد فقرا و ضعفا که امانت الهی هستند و باید در حقّ آنان انفاق و ارفاق به کار برد چنان که در سورة ملوک بیان فرموده‌اند.

۶- سفارش مخصوص در حقّ پناهندگان: «اياکم ان تظلموا على الذّين هم هاجروا اليکم و دخلوا فی ظلكم» (سورة ملوک) (ص ۱۰۹).<sup>۵</sup>

۷- اعلام حقوق و آزادی بشر از طريق تأييد و تسجيل حکم الغاء بردگی. در لوح ملکه ویکتوریا آمده است: «قد بلغنا انک منعت بيع الغلمان و الاماء هذا ما حکم به الله فی هذا الظهور البدیع.»

۸- سرزنش سلاطین و زعما به علّت بی توجهی به امر آن حضرت و کوتاهی در تنفيذ عدل و نصفت در حقّ آن حضرت و اصحاب چنان که در لوح ویکتوریا (صص ۶۱-۶۲) - لوح ناپلئون سوّم (ص ۴۵) - لوح سلطان (ص ۸) آمده. در لوح اخير می‌فرمایند: «قل يا سلطان، فانظر بطرف العدل الى الغلام ثمّ احکم بالحقّ فيما ورد عليه» و نیز رجوع شود به آیات مربوط به فرانسوا ژرف ملک نمسه (ص ۹۵) و سورة ملوک (از جمله ص ۱۰۷) که این عبارات آن عیناً نقل می‌شود: «و انتم يا ايّها الملوك ما تذکرتم بذکر الله فی ايامه و ما اهتديتم بانوار الّتی ظهرت و لاحت عن افق سماء منير و ما تجسستم فی امره بعد الّذی کان هذا خير لكم عمّا تطلع الشمس عليها... و کنتم فی غفلة عن ذلك ان افتوا عليه علماء العجم وقتلوه بالظلم...»

۹- اعلام عظمت ظهور خود با تصريح آنکه همه کتب قبل برای ذکر آن حضرت نازل شده (لوح الکساندر دوّم، ص ۵۴) و حضرتش موعود کلّ انبيا و اولياي گذشته هستند.

## آئين مملکت داری در الواح ملوک

گفتيم که یکی از هدف‌های صدور الواح ملوک و سلاطین تعليم اصول صحيح مملکت داری بوده است. مطالب الواح ملوک از نظر آئين مملکت داری بسیار در خور توجه است و قابل مقایسه با مطالبی در این زمینه که در کتب سياست مدن و نصيحة الملوك و نظائر آن در ادبيات فارسی به چشم می‌خورد (چون

سیر الملوک یا سیاست نامه خواجه نظام الملک و قابوسنامه عنصرالمعالی کیکاوس و اخلاق ناصری و کیمیای سعادت امام محمد غزالی و نصیحة الملوک سعدی شیرازی و دیگر آثار).

بعضی از الواح خطاب به ملوک و سلاطین مطلب مبسوطی در باره اصول مملکت داری در بر ندارد و حال آنکه برخی دیگر به خصوص سوره الملوک لبریز از این بحث مهم سیاسی است:

۱- مضمونی که در الواح ملوک و رؤسا به تکرار می آید این است که سلاطین سایه خدا در زمین هستند و باید قدر این موهبت را بدانند و به اقتضای آن عمل کنند و از حدود الهی تجاوز نمایند و سیل عدل پویند و با مردم به رفق و مدارا رفتار کنند. در لوح سلطان آمده: «یا سلطان، اقسمک برنک الرّحمن بان تنظر الی العباد بلحظات اعین رأفتک و تحکم بینهم بالعدل لیحکم الله لک بالفضل» (ص ۸). و نیز: «ملک عادل ظلّ الله است در ارض، باید کلّ در سایه عدلش مأوی گیرند و در ظلّ فضلش بیاسایند» (ص ۱۸). و همچنین: «ان الله قد جعلک ظلّه بین العباد و آیه قدرته لمن فی البلادان احکم بیننا و بین الذّین ظلمونا من دون بیّنة و لا کتاب منیر» (صص ۸-۹). و در سوره الملوک مسطور: «اتّقوا الله یا ایها الملوک ولا تتجاوزوا عن حدود الله... ایاکم ان لا تظلموا علی احد قدر خردل و اسلکوا سبیل العدل... اعدلوا یا ایها الملوک بین النّاس و کونوا مظاهر العدل فی الارض» (صص ۱۰۸-۱۰۹).

سیرالملوک یا سیاست نامه خواجه نظام الملک چنان که می دانیم همه فصولش در تعلیم آداب مملکت داری و وظایف شهریاران است (تألیف آن را به سال ۴۷۹ هـ ق مربوط دانسته اند). فصل دوم این کتاب اندر شناختن قدر نعمت ایزد تعالی ملوک راست. به اعتقاد خواجه شناخت قدر نعمت الهی نگاه داشت رضای اوست و رضای حقّ تعالی در احسانی باشد که با خلق کرده شود و عدلی که میان ایشان گسترده آید.

امام محمد غزالی در کیمیای سعادت ضمن فصلی در زمینه رعیت داشتن و ولایت راندن (در سال های آخر قرن ۵ هجری) از جمله شروط حکومت، صبر کردن از شهوات دنیا و شفقت بردن بر رعیت و نیکو داشتن بندگان خدای را دانسته و ضمن ده قاعده که برای عدل شهریاری شمرده می نویسد: آنچه بر خود نمی پسندد بر رعیت نپسندد. انتظار ارباب حاجات را بر درگاه خود حقیر نشناسد. بنای کارها را تا حدّ امکان بر رفق نهد نه بر عنف. جهد کند که همه رعیت از او خوشنود باشد. از تکبر پرهیزد و در همه کارها میل به جانب عفو و کرم و بردباری کند. و سعدی در رساله نصیحة الملوک گوید: «عهده ملک داری کاری عظیم است بیدار و هوشیار باید بود و به دل همه وقتی با خدای تبارک و تعالی در مناجات، تا بر دست و زبان و قلم و قدم وی آن رود که صلاح ملک و دین و رضای ربّ العالمین در آن باشد».

۲- جمال مبارک بسیار تأکید می فرمایند که نباید امور مملکت را به دست عمالی سپرد که دین و ایمان ندارند و به دنبال هوای نفس خود می روند. در سوره ملوک آمده است: «فاجتمع من الوکلاء (یعنی وزراء) الذّین تجد منهم روایح الايمان و العدل ثمّ شاورهم.» و نیز فرموده اند: «ولا تدع النّاس و امورهم بین یدی هؤلاء» (یعنی نفوسی که به دنبال هوای دل خویش هستند) و تأکید کرده اند که «فاحسن علی

در فصل چهارم سیاست نامهٔ خواجه نظام الملک آمده که شاه باید به عمال خود وصیت کند که با خلق خدا نیکو روند و از ایشان جز مال حق نستانند و آن را نیز به مدارا و مجاملت طلب کنند. در انتخاب کارکنان و عمال شهری، خواجه سه شرط را ضرور می‌شمرد: بر کار دین شفقت داشتن، از ایزد تعالی ترسان بودن و غرض نداشتن. کیمیای سعادت ضمن قواعد ده گانهٔ عدل تأکید کرده که شاه باید غلامان و چاکران خود را هم از ظلم باز دارد.

۳- از جمله تأکیدات جمال مبارک یکی این است که اصحاب قدرت باید از تعلق به مال و اشیاء فانی دل برکنند. در سورهٔ ملوک ظاهراً خطاب به سلطان عبدالعزیز می‌فرمایند: «تمسک بحب الله و اعرض عن حب ما سواه» و نیز «فوالله لم یکن مقصودی فیما القیناک الا تنزیهک عن الاشیاء الفانیة و ورودک فی جبروت الباقية.»

در خطابی به معشر ملوک فرموده‌اند: «قد شغلتمک الاموال عن المآل هذا لا ینبغی لکم.» در کیمیای سعادت آمده: یکی از قواعد عدل آنکه سلطان در همه چیز قناعت کند و از شهوات بپرهیزد.

خواجه نصیر طوسی در فصل مربوط به سیاست ملک و آداب ملوک فرماید (اخلاق ناصری): که طالب ملک باید مستجمع هفت خصلت باشد از جمله علو همت که بعد از تهذیب قوای نفس و تعدیل غضب و قمع شهوت حاصل می‌آید.

و هم در کیمیای سعادت مذکور: والی باید بداند که دنیا منزلگاه اوست نه قرارگاه او. عاقل آن بود که در منزل دنیا جز به طلب زاد راه مشغول نشود و از دنیا به مقدار حاجت و ضرورت کفایت کند چه هر چه بیش از آن بود همه چون زهر قاتل است.

در لوح خطاب به الکساندر دوم فرموده‌اند: «اتظنون ینفعکم ما عندکم سوف یملکه غیرکم و ترجعون الی التراب من غیر ناصر و معین. لآخر فی حیوة یا تیه الموت و لالبقاء یدرکه الفناء و لالنعمة تتغیر. دعوا ما عندکم و اقبلوا الی نعمة الله الّتی نزلت بهذا الاسم البدیع» (ص ۵۵).

۴- قابوسنامهٔ عنصرالمعالی که بین ۴۵۷ و ۴۶۲ هـ ق تألیف شده در باب ۴۲ در آئین و شرط پادشاهی، شاهان را از آن جمله به این صفات دعوت می‌کند: پارسائی، دوراندیشی، مدارا، احتراز از ظلم و بیداد، رحمت بر خلق، حفظ رعایای خود از اشرار، رسیدگی به درد دل مردم، عدم تقصیر در نیکو داشتن لشکر و رعیت.

حضرت بهاء الله تأکید می‌فرمایند که سلطان باید خود به امور مملکت برسد و در هر امری تجسس و تفحص کند و هر چه را به او گفته‌اند باور ندارد. و در لوح سلطان فرموده‌اند: «امید چنان است که حضرت سلطان بنفسه در امور توجه فرمایند که سبب رجای قلوب گردد.» و در سورهٔ ملوک آمده: «ایاک ان تدع زمام الامور عن کفک و لا تظمنن بهم و لا تکن من الغافلین.» و نیز: «خذ زمام امرک فی کفک و قبضة



اقتدارك ثم استفسر عن كل الامور بنفسك ولا تغفل عن شيء.

قابوسنامه هم ضمن شروط پادشاهی می گوید شاه باید در هر کار تحقیق و تفحص کند و به اقوال نزدیکان بدون غور و بررسی اعتماد ننماید. از حال مملکت خویش با خبر باشد و خاصه از حال وزراء خود خبر گیرد.

۵- حضرت بهاء الله در الواح ملوک بسیار سفارش رعایا به طور عام و فقرا به طور خاص فرموده و آنان را امانت الهی شمرده اند. در حقیقت می توان گفت همه برنامه هائی که از آن زمان به بعد برای تأمین اجتماعی طبقات محروم در دنیا آغاز شده بر طبق مشیت مظهر الهی بوده است. به ناپلئون سوم فرموده اند (لوح دوم): «و اعلم ان الرعية امانات الله بينكم ان احفظوهم كما تحفظون انفسكم.» در سوره ملوک آمده که: «ثم اعلموا بان الفقراء امانات الله بينكم اياكم ان لا تخانوا في اماناته و لا تظلموهم و لا تكونن من الخائنين» (ص ۱۰۹).

در قابوسنامه آمده: «بر خلقان خدای تعالی رحیم باش... بر چاکران خویش به رحمت باش و ایشان را از بد نگهبان باش که خداوندان چون شبان باشند و کهتران چون رمه، اگر شبان بر رمه خویش به رحمت نباشد ایشان را از سباع نگه ندارد.» در عدم تحمیل به رعیت جمال مبارک فرموده اند: «ایاک ان لا تخزب الرعية. اتق من ضجيج الفقراء و الابرار في الاسحار و کن بهم لسلطان شفيق لانهم كنزك في الارض.» و نیز: «ایاک ان لا تعمّر هؤلاء الوكلاء و لا تخزب الرعية.»

۶- از جمله نصایح که در اکثر کتب به ملوک عالم شده این است که کارها را به دست افراد کاردان بسپارند. عنصر المعالی کیکاوس گوید: «چون کسی را شغلی دهی نیک بنگر شغل به سزاوار مرده و بد آنچه تو در باب چاکری معنی باشی شغلی که نه مستحق آن باشد وی را مفرما.» این مضمون به صور مختلف در الواح ملوک آمده است، از جمله در سوره ملوک: «لا تجعل الذئب راعي اغنام الله» یا «لا تجعل الاعزة تحت ایدی الاذلة و لا تسلط الاذنی علی الاعلی.» و در خطاب به سلطان عبدالعزیز مذکور: «ایاک یا ایها الملک لا تجمع فی حولک من هؤلاء الوكلاء الذین لا یتبعون الآهوام و نبذوا اماناتهم و راء ظهورهم و كانوا علی خیانة مبین» (ص ۱۱۹).

در مورد انتخاب وزراء تأکید فرموده اند که در میان اشخاص مؤمن و متصف به صفت عدل باید نفوس مورد نظر را برگزید: «فاجتمع من الوكلاء الذین تجد منهم روائح الايمان و العدل ثم شاورهم فی الامور» (سوره ملوک) (ص ۱۱۹).

۷- در الواح مبارکه حضرت بهاء الله من جمله الواح ملوک خیلی سفارش دین را به رؤسا و زمامداران ارض فرموده اند. فلسفه صدور سوره الملوک چنین ذکر شده: «الی ملوک الارض... لعل یقطعون عما عندهم و یتوجهون الی مواطن القدس و یقربون الی الله العزیز الجمیل» (ص ۱۰۷).

۸- مرتباً در الواح، ملوک را به قبول دعوت خود و قیام بر خدمت حق تشویق فرموده اند مثلاً به الکساندر دوم: «قم بین الناس بهذا الامر المبرم ثم ادع الامم الی الله العلی العظیم.» و به ناپلئون سوم: «قم

علی خدمة الله و نصرة امره. و به ملکه و یکتوریا: «ضعی ما علی الارض ثم زینی رأس الملك با کلیل ذکر ربک الجلیل.» و به معشر ملوک فرموده اند: «قوموا علی خدمة المقصود الذی خلقکم بکلمة من عنده و جعلکم مظاهر القدرة لما کان و ما یكون.» و در الواح متمم کتاب مستطاب اقدس توصیه اکید بر دین به رهبران عالم آمده است.

این تأکیدات فصل هشتم سیرالملوک یا سیاست نامه خواجه نظام الملک را به یاد می آورد که در آن آمده: بر پادشاه واجب است در کار دین پژوهش کردن و فرائض و سنت و فرمان های خدای تعالی به جای آوردن و به کار بستن و علمای دین را حرمت داشتن و کفاف ایشان را از بیت المال پدید آوردن و زاهدان و پرهیزکاران را گرامی داشتن.

از جمله توصیه های امام محمد غزالی در کیمیای سعادت یکی این است که سلطان همواره طالب دیدار علمای دین دار باشد و حریص بر شنیدن نصیحت ایشان، و حذر کند از دیدار علمای حریص بر دنیا.

سعدی در نصیحة الملوک فرماید: علما و ائمة دین را عزت دارد و حرمت، و زبردست همگنان نشانند و به استصواب رأی ایشان حکم راند تا سلطنت مطیع شریعت باشد نه شریعت مطیع سلطنت.

۹- این نکته درخور یادآوری است که حضرت بهاء الله ناصرالدین شاه را به تساهل و تسامح دینی دعوت می فرماید: «طوائف متعدده و ملل مختلفه در ظل سلطان مستریخند. یک طایفه هم این قوم باشند، بلکه باید علو همت و سمو فطرت ملازمان سلطانی به شأنی مشاهده شود که در تدبیر آن باشند که جمیع ادیان در سایه سلطان در آیند و مابین کل به عدل حکم رانند.»

۱۰- یکی از معانی عدل اعطای کل ذی حقّ حقّه است. در این مورد جمال مبارک دستوری صریح به ملوک ارض فرموده اند: «لا تفرط فی الامور فاعمل بین خدامک بالعدل ثم انفق علیهم علی قدر ما یحتاجون به.» و نیز: «فاعدل بینهم علی الخط الاستواء.»

کیمیای سعادت ده قاعده برای عدل شهریاری بر شمرده است که ذیلاً به اختصار آورده می شود:

الف - آنچه بر خود نمی پسندد بر رعیت نپسندد؛

ب - انتظار ارباب حاجات را بر درگاه خود حقیر نشناسد؛

ج - در هر چیز قناعت کند و از شهوات پرهیزد؛

د - بنای کارها تا حد امکان بر رفق نهد نه بر عنف؛

ه - جهد کند که همه رعیت از وی خوشنود باشد؛

و - رضای هیچ کس بر خلاف شرع طلب نکند؛

ز - بداند که کار ولایت کاری صعب و خطیر است؛

ح - همواره طالب دیدار علمای دین دار باشد و حریص بود بر شنیدن نصیحت ایشان و حذر کند از

دیدار علمای حریص بر دنیا؛

ط - غلامان و چاکران خود را هم از ظلم باز دارد؛

و بالاخره ی - از تکبر پرهیزد و در همه کارها میل به جانب عفو و کرم و بردباری کند.

همه مضامین مندرج در الواح حضرت بهاء الله خطاب به ملوک و رؤسا آمده است که به اجمال قبل از این بدان اشاره کرده ایم.

جمال ابهی می فرماید: «و ینبغی للسلطان بان یکون فیضه کالشمس یرئی کل شیء و یعطی کل ذی حقّ حقّه و یکون رحمته کالسحاب ینفق علی العباد».

۱۱- نیازی به تأکید در مورد اهمّیت خشیت الله در مواعظ و نصایح حضرت بهاء الله نیست. می فرمایند: «و حاسب نفسک قبل ان تحاسب فی یوم الذی لن یستقرّ فیه رجل احد من خشية الله» (ص ۱۲۱). به الکساندر دوّم فرموده اند: «طوبی لملک ما منعه الملک عن مالکة». سلاطین ارض را یاد آور می شوند که: «کلّ فقاء لدی باب رحمته و ضعفاء لدی ظهور سلطانه و کلّ من جوده لمن السائلین». و در مقام دیگر: «فاستغن بالله ثم استغن من غناة».

### بررسی تحلیلی مضامین سوره ملوک

نظر به اهمّیت خاصّ سوره ملوک در اینجا مضامین عمده آن را تحت ۸۸ عنوان به نظر دوستان ارجمند می رساند و البته توجه می دهد که برخی مضامین به صورت مکرر آمده است مانند ذکر بلا یائی که بر آن حضرت و اصحاب وارد آمده و تصریح اینکه حضرتش از بلا پروا ندارند و بلا سبب اعتلاء امر آن حضرت است و نیز شکایت از عدم تحقیق منصفانه در امر آن حضرت و دعوت به رسیدگی و نیز رفع اتهاماتی که بر حضرت و یاران از جانب دشمنان وارد شده.

#### الف - خطاب به معشر ملوک

- ۱- دعوت به خدا و عالم روحانی.
- ۲- دعوت به ایمان به ظهور جدید.
- ۳- ملامت از جهت عدم تذکّر به ذکر الله در ظهور حضرت باب.
- ۴- افتخار شما به قرب الهی و اتباع او امر حقّ باید باشد.
- ۵- هدایت الهی آمد اما ملوک غافل ماندند.
- ۶- حال وقت تدارک مافات است.
- ۷- دعوت به تقوی و عدم تجاوز از حقوق الهی.
- ۸- دعوت به عدل و پرهیز از ظلم.
- ۹- دعوت به صلح و در نتیجه کاهش قشون و تسلیحات.
- ۱۰- سفارش رعایت حال مهاجران و پناهندگان.
- ۱۱- عدم اطمینان به لشکر و قدرت ظاهری.

۱۲- فقرا امانات الهی بین شما هستند.

۱۳- دعوت به رسیدگی به وضع و حال خود آن حضرت.

۱۴- فخر انسان در اتباع سنن الهی است.

ب - خطاب به ملوک مسیحی

۱۵- ظهور آن حضرت همان ظهور موعود مسیحیت است.

۱۶- ملامت مخاطبان از جهت عدم استفسار از امر آن حضرت.

ج - خطاب به سفیر ملک پاریس

۱۷- ملامت او از نظر هم فکری و هم دستی با سفیر ایران در امر آن حضرت.

۱۸- اشاره به سفرائی که از آنان اسم و رسمی هم برای عبرت گرفتن باقی نمانده است.

د - مجدداً خطاب به معشر ملوک

۱۹- ذکر بلائی متحمل و گله از عدم مداخله ملوک در منع ظلم.

ه - خطاب به خود

۲۰- «فسوف يرفع الله امره فتوكل في كل الامور على ربك».

و - خطاب به وكلاء

۲۱- دعوت به پیروی از اصول الهی.

۲۲- وعده جزای نزدیک.

۲۳- شما هم بدون نصیر و مجیر به تراب راجع خواهید شد.

۲۴- رفتار شما با ما طبق اصول صحیح نبود.

ز - خطاب به طیر قدس (شخص خود)

۲۵- از احدی هراس مدار.

۲۶- چرا مسؤولان در امر آن حضرت رسیدگی نمی کنند؟

۲۷- ذکر یکی از افتراات وارده (رباخواری).

۲۸- دنیا و زینت آن به زودی به سر می رسد و هر فردی باید حساب پس دهد.

ح - ان يا امراء المدينة

۲۹- «اتقوا الله ولا تفسدوا في الارض ثم اتبعوا الحق».

۳۰- ما را از احدی بیم نیست؛ جان در راه خدا می بازیم.

۳۱- ذکر مشاهدات خود در مدینه (استانبول).

ط - اشاره به عدم بلوغ رؤسا و امرا

۳۲- دعوت آن نفوس به فروتنی.

۳۳- دعوت به عدم تحمیل بر مردم و اینکه برای هیچ کس نخواهند آنچه برای خود نمی خواهند.

- ۳۴- دستور احترام به علمای با عمل.
- ۳۵- بدانید که بلایا همیشه سهم اصفیا بوده.
- ۳۶- بر ما وارد شد آنچه از قبل بر امام حسین وارد شد.
- ۳۷- آرزوی فدا به مثل امام حسین و ستایش از فداکاری آن امام.
- ۳۸- دعوت مخاطبان به رضوان الهی.
- ۳۹- ظالمان به سزای خود می‌رسند.
- ۴۰- دعوت مخاطبان به توبه.

### ی - یا ملاً الوکلاء

- ۴۱- ما نیامدیم که اموال شما را بگیریم.
- ۴۲- «ما یفنی لا ینفعنا».
- ۴۳- «و انتم لا تتبعوا اهلکم و لا بما القی الشیطان فی انفسکم».
- ۴۴- مرآت قلوب خود را از دنیا پاک کنید.
- ۴۵- ما آنچه در دین و دنیا برای شما نافع است القاء کردیم.
- ### ک - ان یا ایها السّلطان
- ۴۶- این وکلای تابع هوای نفس راگرد خود جمع مکن.
- ۴۷- به مردم نیکی کن همچنان که خدا بر تو احسان کرده.
- ۴۸- وزرائی گرد خود آور که صاحب ایمان و عادل باشند.
- ۴۹- آنکه دیانت ندارد امانت و صداقت ندارد.
- ۵۰- ذنب را راعی اغنام الهی مکن.
- ۵۱- زمام امور را به کف خود بگیر و در هر امری شخصاً تحقیق و استفسار کن.
- ۵۲- شکر خدا را که چنین مقامی به تو داد به جای آور.
- ۵۳- شکر تو از طریق محبت و حفظ مردم است.
- ۵۴- به خزائن خود مطمئن مباش و به خدا توکل کن.
- ۵۵- عدم افراط در امور و دادن حق هر کسی به اندازه.
- ۵۶- اعزه را زیر دست اذله قرار مده.
- ۵۷- محکومیت ثروت بی حد و فقر بی حد. لزوم مساوات.
- ۵۸- وزراء و وکلاء را به ضرر مردم آباد مکن.
- ۵۹- مردم گنج تو هستند؛ حفظ کن و غافل از احوال آنان مباش.
- ۶۰- میزان الهی را در مقابل خود قرار بده و هر روز به حساب نفس خود برس.
- ۶۱- فیض سلطان باید شامل همگان باشد چون آفتاب و ابر.

- ۶۲- عدم اعتماد بیهوده به اطرافیان.
- ۶۳- تو سایه خداوند در زمین هستی؛ به مقتضای آن عمل کن.
- ۶۴- قلب را از دنیا و زخارف آن پاک ساز.
- ۶۵- بدان که وکلای تو چه بر سر ما آورده‌اند (ظاهراً خطاب به عبدالعزیز است).
- ۶۶- تشریح وضع نابسامان خود و اصحاب در ادرنه.
- ۶۷- هم ذلت ما و هم عزت وکلا گذراست.
- ۶۸- صبر و شکر در بلا یا و توکل و تفویض آن حضرت به حق.
- ۶۹- ای سلطان، ظالمان را از ظلم به مردم باز مدار.
- ۷۰- ما هرگز در برابر تو سرکشی نکرده و نمی‌کنیم.
- ۷۱- اما تو کاری کن که شایسته درگاه توست.
- ل - خطاب به سفیر عجم در مدینه (استانبول)
- ۷۲- گمان مبرکه که به فناء من امر الهی فانی می‌شود.
- ۷۳- این امر از حق است و احدی مانع آن نتواند شد.
- ۷۴- یادآوری یک آیه قرآن و ذکر شدت ظلم دشمنان امر: «هل فعل احد من اهل الارض بمثل ما فعلتم؟ لا فورب العالمین.»
- ۷۵- آیا از خدا نمی‌ترسید؟
- ۷۶- نور الهی را خاموش نمی‌توانید کرد.
- ۷۷- به چه جرمی ما را متهم کردی؟ چه افترائی به ما بستی؟
- ۷۸- از تو بغضی در دل ندارم و در همه موارد به خدا متوکلم.
- ۷۹- اما تو همه در اندیشه زخارف دنیوی هستی.
- ۸۰- بعد از ورود به عراق از ما چه فسادی ظاهر شد؟
- ۸۱- اشاره به فرستاده فاسدی که از طهران آمد<sup>۶</sup> و گزارش دروغ بر ضد آن حضرت به سفیر (یعنی میرزا حسین خان، سفیر ایران نزد دولت عثمانی) داد که وی نیز بدون بررسی پذیرفت.
- ۸۲- کسی که به تراب راجع می‌شود کجا حق استکبار بر اولیای حق دارد؟
- ۸۳- مشایخ قوم را سزد که در طوف مظهر ظهور طائف شوند.
- ۸۴- «اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَتَّبِعُوا هَوَانِكُمْ.»
- م - بخش آخرین خطاب به حکماء مدینه و فلاسفه ارض
- ۸۵- حکمت حقیقی همان خشیت الله و عرفان مظهر نفس الهی است.
- ۸۶- «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَلِكُمْ عَنْ صِنَائِكُمْ بَلْ عَنِ إِيْمَانِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ تَسْلُونَ.»
- ۸۷- گله از اینکه معشر علماء در نزد حضرتش نیامدند که نجات روح را بشنوند.

۸۸- نصیحت به آنکه از حدود الهی تجاوز نکنند و متوجه قواعد و آداب مردم نباشند زیرا اینها لا یسمن و لا یغنی هستند.

## نتایج و آثار صدور الواح ملوک

در نصوص مبارکه زیارت کرده‌ایم که نظر به عدم توجه به امر جدید و حتی مخالفت و معاندت با آن عزت از دو طبقه اخذ شد، علما و امرا. صدور الواح ملوک و زمامداران پیامدهای مهمی داشت که خوب است به برخی از آنها در اینجا اشاره شود.

۱- در کشورهای متعددی بساط سلطنت برچیده شد و جمهوریت بر جای آن استقرار یافت. از جمله در روسیه در سال ۱۹۱۷ و در ترکیه عثمانی در سال ۱۹۲۳-۱۹۲۴ و در اتریش و هنگری (امپراطوری) در سال ۱۹۱۶ و در آلمان (پروس) در سال ۱۹۱۸. در فرانسه رجعت به جمهوری سوم در ۱۸۷۰ پیش آمد و حکومت ایران در سال ۱۹۷۹ از سلطنت بدل به جمهوریت شد.

۲- از مهم‌ترین نتایج صدور لوح مبارک به پاپ پی نهم که مردی بسیار مقتدر بود و سازنده عقیده جزمی کاتولیکی به معصومیت پاپ از دست رفتن قدرت صوری دستگاه پاپی بود (۱۸۷۰).

۳- به دنبال صدور الواح مذکور جریان عرفی شدن حکومت در همه جا شدت گرفت. در فرانسه جدائی میان کلیسا و دولت در سنه ۱۹۰۵ رسماً اعلام شد و می‌توان گفت که در دنیای مسیحیت امروز تقریباً هیچ دولت مذهبی یعنی کاملاً متکی بر مذهب وجود ندارد. اگر بشود گفت که نادر کشورهای چون موناکو و لیختنشتاین یا گوآتمالا یا کوستاریکا و کولومبی هستند که هنوز سلطه والای کلیسای کاتولیک را قبول دارند اما فرانسه، ایتالیا و اسپانیا مدت‌هاست که از این جرگه بیرون آمده‌اند. در ممالک شمالی اروپا یعنی سوئد، نروژ، دانمارک، ایسلند و انگلستان کلیسا از موقعیت ممتازی برخوردار است معذک حاکمیت از آن دولت‌های ملی است. دولت‌های لامذهب هم در دنیا فراوان هستند چون ممالک کمونیستی چین و ویتنام.<sup>۷</sup>

۴- جز در موارد معدودی می‌توان گفت که در همه جا عزت و شوکت روحانیون از میان رفت.

۵- بعضی از مخاطبان الواح ملوک به مجازات استحقاقی خود رسیدند که ناصرالدین شاه قاجار، ناپلئون سوم و سلطان عبدالعزیز از آن جمله هستند.

۶- با صدور این الواح مبارکه جریان مثبتی در دنیا متدرجاً پیش آمد که حرکت به سوی دموکراسی، احترام به حقوق بشر و توجه به حقوق فقرا و مستضعفین و مظلومین از هر قبیله باشد.

۷- بالاخره این الواح مبارکه روند جهانی شدن امور و مسائل و اندیشیدن به مسائل کل بشریت (چون جنگ و مسابقه تسلیحاتی) و چاره‌اندیشی به صورت توسعه حقوق بین‌المللی و استقرار سازمان‌های بین‌الحکومات را تسریع کرد.

آنچه در این مقاله معروض افتاد فقط نگاهی اجمالی به الواح مهمه مهیمه جمال اقدس ابهی خطاب به رؤسا و زعمای دنیا بود چه هر یک از آن الواح مقدسه در خور بحث تحلیلی جداگانه است و این کار با محدودیت زمان این گفتار میسر و مقدور نیست. بحث از تاریخ هر یک از الواح مذکوره و مخاطبان و سرنوشت آنها را<sup>۱</sup> به کتب تاریخ بهائی از جمله کتاب قرن بدیع از حضرت شوقی ربانی - بهاءالله شمس حقیقت اثر جناب حسن موقر بالیوزی - "ظهور حضرت بهاءالله" اثر جناب ادیب طاهرزاده و نظائر آن احاله می کنیم که بی گمان می نگنجد بحر اندر کوزه ای و ناچار باید به "قسمت یک روزه ای" اکتفا کرد.

### یادداشت‌ها

\* این مقاله در دوره بیست و یکم مجمع عرفان در مرکز مطالعات بهائی آکو تو (ایتالیا) در جون ۱۹۹۹ عرضه شده است.

۱- محمد جواد مشکور، خلاصه ادیان، چاپ ششم (طهران: ۱۳۷۷ ه.ش).

۲- اشاره ای به هیکل موعود مذکور در سفر زکریا.

۳- از نظر ترجمه انگلیسی این الواح مبارکه باید متذکر شد که در سال ۱۹۶۷ م به دستور مرکز جهانی بهائی مجموعه ای زیر عنوان *Proclamation of Bahá'u'lláh* انتشار یافت که به عده ای از رؤسای ممالک نیز اهداء شد. مجموعه مذکور الواح مقدسه ذیل را کلاً یا جزئاً شامل است: سوره ملوک - لوح ناپلئون سوم - لوح تزار الکساندر دوم - لوح ملکه ویکتوریا - خطاب به امپراطور فرانسوا ژوزف - خطاب به قیصر ویلهلم یاگیوم اول - خطاب به سلطان عبدالعزیز - خطاب به رؤسای جمهور امریکا - خطابات به وکلای امم و رهبران مذاهب - لوح پاپ پی نهم و نیز لوح سلطان خطاب به ناصرالدین شاه. بهترین توضیحات در مورد این آثار مقدسه را در زبان انگلیسی می توان در دو منبع ذیل جستجو کرد: (۱) کتاب قرن بدیع (*God Passes By*) اثر جاودانی حضرت ولی امرالله، (۲) کتاب "ظهور حضرت بهاءالله" (*Revelation of Bahá'u'lláh*) اثر گراند قدر جناب ادیب طاهرزاده (جلد سوم). این آثار مبارکه در کتاب جناب طاهرزاده معرفی شده اند: لوح رئیس - لوح فؤاد - لوح ناپلئون سوم - لوح پاپ پی نهم - لوح تزار الکساندر دوم - لوح ملکه ویکتوریا - سوره هیکل و خطابات به رجال و رهبران در کتاب مستطاب اقدس. چنین می نماید که اول نشر سوره ملوک به اهتمام ویکتور روزن در سال ۱۹۰۸ م در سن پیتربورگ انجام شد و بعد در ایران در ۱۲۴ بدیع. ۴- ظاهراً این آثار مبارکه از اولین دادخواهی های تبعیدشدگان است خطاب به عالی ترین مراجع ممالک عالم با استناد به حقوق بشر و اصول عدالت.

۵- صفحات مذکور مربوط است به کتاب الواح حضرة بهاء الله الى الملوك و الرؤسه.

۶- ظاهراً مراد شیخ عبدالحسین مجتهد است که از جانب شاه مأمور تعمیر بقاع متبرکه در عتبات عالیات شد و به عداوت با حضرت بهاءالله پرداخت.

۷- چنان که تاریخ نشان می دهد سالها بلکه قرنها طول کشید که علم، سیاست و اخلاق در ممالک غرب از حوزه دیانت و سلطه دین خارج شد. شاید گالیله اول قدم را در خروج علم از حیطه دین برداشت اما عرفی شدن علم و رهائی از تسلط کلیسای کاتولیک تنها در قرن نوزدهم صورت گرفت و این هنگامی بود که پاپ پی دوازدهم به استناد سفر تکوین نظریه علمی داروین را محکوم کرد و نیز نظریه تعدد منشأ و ریشه بشریت را مردود دانست. در وسط قرن نوزدهم بود که هولی اوک (Holyoake) اخلاقیات را از قیومت دین آزاد کرد و اصطلاح secularism یا



عرف‌گرانی را متداول نمود. جنبشی که او به راه انداخت توسط پروتستان‌های لیبرال و لادریون و لامذهبان در انگلستان و بعداً آمریکا گسترش یافت. با ولادت مدرسه جدید ابتدائی غیر مذهبی، فرانسه هم خواستار استقلال اخلاقیات از امور دینی شد. وضع در جهان اسلام متفاوت است چون اسلام مانند آئین یهود مجموعه‌ای از تکالیف و قواعد را شامل است که هم مربوط به مناسک و آداب دین هستند و هم جنبه اخلاقی دارند و در نتیجه عرفی کردن اخلاق هنوز موضوع بحث و گفتگو در محافل روشنفکری است. اکثر ممالک اسلامی سعی دارند که همان قوانین دین خود را در امور مملکتی جاری کنند.

۸- ذکر چند اطلاع مفید تاریخی در اینجا ضرور به نظر می‌رسد: ۱- رئیس جمهور آمریکا در زمان نزول کتاب مستطاب اقدس و آیات مربوط به رؤسای آمریکا به نام گرانت بوده است (*A Basic Bahá'í Dictionary*). ۲- لوح سلطان ایران در سال ۱۸۶۹ توسط آقا بزرگ نیشابوری ملقب به بدیع که بعداً فخرالشهدا خوانده شد به ایران ارسال گردید. ۳- ناپلئون سوم مخاطب دو لوح جمال مبارک در ۱۸۷۰ در جنگ سیدان از آلمان (قیصر ویلهلم اول) شکست خورد. بعد به انگلستان تبعید شد و در آنجا در سال ۱۸۷۳ درگذشت. ۴- در سال ۱۸۷۰ شورای واتیکان نظریه عصمت پاپ را صحه می‌نهد اما به زودی قشون ویکتور امانوئل دوم حمله می‌کند و روم را می‌گیرد و به سلطنت صوری پاپ خاتمه می‌دهد. ۵- بازدید فرانسوا ژوزف امپراطور اطریش و هنگری از بیت المقدس که در کتاب اقدس به آن اشارت رفته در سال ۱۸۶۹ روی داد. ۶- پایان کار مخاطبان الواح ملوک: ناصرالدین شاه در سال ۱۸۹۶ به قتل رسید. ناپلئون سوم در ۱۸۷۰ از سلطنت برکنار شد. الکساندر دوم در ۱۸۸۱ به قتل رسید. ملکه ویکتوریا در ۱۹۰۱ درگذشت. عالی پاشا مخاطب لوح رئیس (دو لوح فارسی و عربی) در ۱۸۷۱ فوت کرد. مرگ گیتوم یا ویلهلم اول در ۱۸۸۸ روی داد و از آن سلطان عبدالعزیز در ۱۸۷۶ (وی در آن سال مجبور به استعفا شد و ۵ روز بعد او را مرده یافتند). پاپ پی نهم در ۱۸۷۸ خاموش شد و فرانسوا ژوزف در ۱۹۱۶.